ضرورت حمایت مضاعف از زنان روستایی

ورود وسایل مدرنی همچون ماشین لباس‌شویی، جارو برقی و ظرف‌شویی زندگی بخش بزرگی از زنانِ را متحول کرده اما این وسایل مدرن در دسترس همه زنان نیست. حتی امروزهم که داشتنِ این گونه وسایل در هر خانه‌ای ضروری تلقی می‌شود، بخشی از زنانِ روستایی از آن محروم هستند، به‌ویژه آن هایی که سرو کارشان با کوه و دشت و باغ است. آنها کمتر دیده می‌شوند و مطالبات‌شان معمولاً در عرصه عمومی مطرح نمی‌شود. گاهی آن‌ها را در حالِ شستنِ دسته جمعی لباس‌ها در یک چشمه با کمترین وسایل شست و شو و سخت‌ترین روش آن می‌بینیم، برخی اوقات آن‌ها را در حال کشاورزی، دامداری، پختِ نان و گاهی هم قامتِ خمیده آن‌ها را در زیر وزنِ هیزم‌هایی می‌بینیم که بر دوش می‌کشند.

وضعیت آنان مطلوب نیست و با این که افزون بر نقش مادری و همسری سهم بسیاری در احیای زیست بوم و اقتصاد خانوار به دوش می‌کشند، با مجموعه‌ای از چالش‌ها و مشکلات روبه‌رو هستند. بسیاری از آنان ساعت کارشان قبل از طلوع آفتاب شروع می‌شود و آخرین نفری هستند که به خواب می‌روند.

جمعیت زنان روستایی نسبت به زنان کل کشور ۲۸ درصد است و سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی، نوآوری و رفاه اجتماعی دارند، با این حال جدی گرفته نمی‌شوند. این زنان «نقش برجسته‌ای در تحکیم بنیان خانواده و تولید محصولات کشاورزی و امنیت غذای کشور ایفا می‌کنند. بیش از ۷۰ درصد فعالیت‌های مربوط به دام و طیور کشور برعهده زنان روستایی و عشایری است و ۴۰ درصد فعالیت‌های زراعی و باغبانی و بیش از ۸۰ درصد تولیدات محصولات کشاورزی به روش سنتی توسط زنان روستایی انجام می‌شود.» (منبع: خبرگزاری مهر)

طبق آمار مرکز مطالعات و برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی، در استان‌های بوشهر و هرمزگان ۵۰ درصد نیروی کاشت، ۶۰ درصد نیروی داشت و ۶۵ درصد نیروی برداشت، زنان هستند و با توجه به این که اشتغال زنان در محیط خارج از خانه اغلب با انجام وظایف خانه‌داری نیز همراه است، فشار کاری و استرس‌های ناشی از آن در زنان بیشتر از مردان نمود دارد، این در حالی است که زنان روستایی از مزایای شغلی نظیر بیمه، شرایط کار سالم، بازنشستگی و مرخصی محروم هستند. ناهید میرعلی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل زنان و خانواده به پرسش‌های ما در این زمینه پاسخ داده است.

خانم میرعلی شما مطالعات و پژوهش‌هایی در این باره انجام داده‌اید و به روستاهای مختلف هم سفر کرده‌اید، از زاویه دید شما، زندگی زنان روستایی چگونه سپری می‌شود؟

کار زنان روستایی پیش از طلوع آفتاب و حتی قبل از روشن شدنِ کامل هوا آغاز می‌شود. باید زودتر از همه اعضای خانواده بیدار شوند تا هیزم جمع کنند، آتشی برپا دارند و بساطِ صبحانه را آماده کنند. همسر و فرزندان را راهی کارهای روزمره می‌کنند و سپس کارهای دیگر را آغاز می‌کنند. اگر دامدار باشند، باید دام‌ها را بدوشند و آن‌ها را به چوپان بسپارند. پس از این نوبتِ جوشاندنِ شیر و تبدیلِ آن به دیگر لبنیاتِ مورد استفاده است. اگر همسرِ خانواده‌ای باغبان باشند باید ترتیب آبیاری و دیگر کارهای باغ را بدهند. اگر کشاورز هم باشند به همین ترتیب. مثلاً باید دشتِ میوه‌ها را وارسی کنند. اگر مقداری از آن‌ها رسیده باشند، باید آن‌ها را بچینند تا یا مصرف شود یا روانه بازار شود. آبِ مورد نیازشان را هم باید با فاصله‌ای دور از چشمه بیاورند یا با یک شلنگ به خانه نزدیک کنند. پخت و پز و شست و شود رچنین شرایطی بسیار دشوارتر از انجام همین کارها در یک آشپزخانه شهری است؛ هم‌زمان بیشتری می‌برد و هم دشوارتر است. حین انجام همه این کارها اگر کودکی هم داشته باشند باید از او هم مراقبت کنند. یا اگر سالمندی در خانه باشد باید حواسشان به او هم باشد. صبح تا ظهرشان با این گونه کارها سپری می‌شود. پیش از فرارسیدنِ وقت ناهار باید تمام این کارها به درستی انجام شده باشد تا فرصتی هم برای تدارک غذای ظهر داشته باشند.

ذکر تمامِ این‌ها به این معنی نیست که در اجتماعِ روستایی مورد بحث، مردها بیکارند یا زحمتی ندارند. مردان هم وظایف بسیار دشواری بر عهده دارند. اما چندین تفاوت اساسی وجود دارد. اول اینکه زنان چندین کار را باید به طور همزمان پیش ببرند و در حین انجامِ کارهای عمومی، به امورِ مربوط به هر عضو خانواده هم رسیدگی کنند، از شست و شوو نظافت گرفته تا تهیه غذا و فراهم آوردن بستری مناسب برای استراحت. اما مردها یک وظیفه مشخص بر عهده دارند. در عین حال زنانِ روستایی بهره‌ای از این کار نمی‌برند.

علیرغم اقداماتی که زنان روستایی انجام می‌دهند، چه حمایت‌هایی از آنان صورت می‌پذیرد؟

تنها در برخی مناطق از زنان روستایی حمایت می‌شود. ولی این حمایت به طور گسترده و در سطح ملی وجود ندارد. بخصوص این باید در روستاهایی که با کمبود آب و خشکسالی و به طبع با فقر بسیار زیاد روبه‌رو هستند تشدید شود. ما این حمایت را نمی‌بینیم. به نظرم لازم است سیاست‌های حمایتی در مناطق فقیر و مناطقی که با خشکسالی و کمبود آب مواجه هستند افزایش پیدا کند. جلوی ورود بی‌رویه کالاهای کشاورزی گرفته شود تا کار کشاورزان از ارزش و اهمیت بیشتر برخوردار شود. فکر می‌کنم زنان روستایی به طور سنتی و از اعصار قدیم پا به پای مردان کار کردند، در مناطق شمالی به ویژه در استان‌هایی مانند مازندران، گیلان، گلستان و ... این مسئله را می‌بینید. به همین دلیل این زنان قدرتمند هستند که به کمک‌های مالی دارند؛ در مناطقی که فقر و خشکسالی و کم آبی وجود دارد. مسئله دیگری که می‌تواند به توانمندسازی زنان کمک کند همین کالاهایی است که خانم‌ها تولید می‌کنند؛ چه کالاهای دستی چه دیگر کالاها. لازم است این‌ها به شهرها برده شود و به فروش برسد. این هم یک سیاست ملی را می‌طلبد؛ سیاستی که هر چقدر از واردات کاهش پیدا کند به طبع محصولاتی که در سطح مناطق و در سطح ملی تولید می‌شود فروش‌شان افزایش پیدا خواهد کرد. این به توانمندی زنان روستایی کمک بسیاری خواهد کرد. تمام این‌ها به نظر من به سیاست‌های کلی و ملی دولت ربط دارد. در ایران به روستاهای متعددی رفتم و با زنان آنجا مصاحبه داشتم. شما کمتر زنی را می‌بینید که از وضعیت خود آگاه نباشد. به همین خاطر حمایت ملی برای ارزشگذاری به کار و موقعیت شغلی زنان روستایی ضروری است.

طبق تحقیقات محلی، بزرگترین موانع توسعه صنایع دستی زنان روستایی عدم حمایت دولت، نبود زیرساخت‌های اقتصادی لازم برای فروش محصولات، کوتاه مدت بودن درآمد حاصل از فروش، کمبود منابع آموزشی برای زنان روستایی و عشایری و در دسترس نبودن مواد اولیه است.

آنطور که دبیر کارگروه زنان روستایی عشایر و مناطق محروم معاونت زنان و خانواده اعلام کرده: «به طور کلی برای صنایع دستی زنان عشایر هیچ اقدامی صورت نگرفته و هیچ برنامه‌ای برای صنایع دستی زنان عشایر وجود ندارد. به عنوان مثال ۶۰-۷۰ هزار تومان ارزش حداقلی هر کیلو نخی است که زنان عشایر با پیلی می‌ریسند، اما به دلیل عدم دسترسی به بازارها مجبورند این نخ را با محصولات دیگرشان را به یک سوم قیمت به واسطه‌ها بفروشند. واسطه‌ها زنان روستایی و عشایر را استثمار می‌کنند.»

توانمندسازی زنان با صرف هزینه‌های اندک البته ممکن است اما متأسفانه هیچ گونه اقدامی در این راستا صورت نگرفته است. اگرچه استفاده از ظرفیت مشاغل سنتی در مناطق گردشگری در فصل‌های به‌خصوصی از سال امکان پذیر است ولی بدون حمایت دولتی درآمد چندانی نصیب شاغلان این صنایع نمی‌کند. به‌خصوص که به دلیل داغ شدن فصلی بازار رقابت صنایع دستی در این مناطق، به سرعت متولیانی همچون دهیاری‌ها و اراگان‌های مشابه نواحی حاشیه دست به کار می‌شوند و بازار را به دست می‌گیرند و افراد غیر وابسته به این ارگان‌ها مجبورند برای رسیدن به آن بازار فصلی تلاش و هزینه‌ای چند برابر داشته باشند. در برخی از مکان‌های تفریحی نیز زنان محلی می‌توانند غرفه‌هایی را برای فروش محصولات خود برپا کنند، ولی برای داشتن غرفه‌های فروش، باید اجاره‌بها بپردازند. طبیعی است که همه از پس پرداخت اجاره‌بهای سنگین این غرفه‌ها برنمی‌آیند و بخش بزرگی از زنان روستایی عملاً امکان فروش محصولات خود را نمی‌یابند. این وضعیت در دیگر مناطقی که دارای امامزاده‌های گردشگری است نیز وجود دارد و طبیعتاً دهیاری‌ها اداره غرفه‌ها را به دوستان و آشنایان خودمی سپارند و درسهم فروش آنان شریک می‌شوند. شریک شدن در سهم فروش اگر مابه‌ازای اجاره‌بها باشد شاید تا حدودی مقرون به صرفه باشد اما وضع مالیات بر غرفه و دیگر هزینه‌های تحمیل شده بر غرفه‌داران عملاً دست زنان روستایی را از این بازارها دور می‌کند.

شما در صحبت‌هایتان به عدم ارزشگذاری کار زنان روستایی اشاره کردید، این موضوع در کشورهای دیگر چقدر مورد توجه است؟

متاسفانه در تمام جهان، از جمله در کشورهایی نظیر هلند و فرانسه، اصولاً روی کار زنان ارزش کمتری گذاشته می‌شود در کشورهای پیشرفته هم تفاوت دستمزد زیادی بین زنان و مردان وجود دارد. حال اینکه در بخش کشاورزی، زنان با دردست داشتن مشارکت در امنیت غذایی، ۴۳ درصد از غذای جهان را تامین می‌کنند. در کشور ما نیز به همین ترتیب است و زنان روستایی بار سنگین تولید صنایع تبدیلی محلی لبنی را بر عهده داشته و تولید بخش مهمی از صنایع دستی نیز در دست آن‌ها است. بنابراین میلیون‌ها زن که در پایداری امنیت غذایی نقشی بی‌بدیل دارند، با دستمزدهای ناپایدار و بدون حق بیمه مشغول به کارند و با این که جلوی صحنه هستند کمتر دیده می‌شوند. همچنین برخی زنان کولبری آب می‌کنند و یکی از آسیب‌های جسمی آنان همین است. حمل روزانه آب در ظروف سنگین و بعضا مسافت‌های طولانی آسیب‌های جسمی و روانی متعددی برای زنان به بار می‌آورد و به خاطر تامین آب مجبورند مشک‌های آب ۷۰ کیلویی را کیلومترها حمل کنند. حمل ظروف سنگین آب زنان را دچار انواع بیماری‌ها همچون دیسک کمر، شکستن مهره‌های ستون فقرات، کمردرد و سقط جنین می‌کند. حتی در برخی روستاها در نبود آب شرب و قطعی‌های مکرر، زنان برای تهیه آب آشامیدنی باید ساعت‌های طولانی در صف بایستند تا بتوانند یک دبه آب قابل شرب برای خانواده‌هایشان تأمین کنند. از این رو باید تاکید کرد، زحمت و تلاش زنان روستایی بیشتر از مردان است زیرا علاوه بر تامین آب و کارهای کشاورزی باید در خانه‌داری، تربیت فرزندان، تهیه مواد مصرفی و نیز تولید انواع مواد پروتئینی و لبنیات هم فعالیت کنند. اما تلاش زیاد آنان به چشم نمی‌آید و مردان تنها در صورتی متوجه این زحمات می‌شوند که زن بیمار شود و کارها لنگ بماند. البته سیاست عمومی دولت‌ها در عدم ارزش‌گذاری کار دامپروری و کشاورزی را نباید در این جریان نادیده گرفت. اگر این کارها در ایران از ارزش‌گذاری بالایی برخوردار بود، به طبع کار زنان هم در روستا ارزش بیشتری داشت. هرچند در کشور ما نزدیک به ۳ هزار نفر از دهیاران و مسئولان اجرایی در روستاها زنان هستند و این یک گام رو به جلو محسوب می‌شود با این حال هنوز هم با سطح مورد انتظار فاصله داریم.

مشکلات زنان روستایی در تمام نقاط کشور یکسان نیست، آیا می‌توان گفت مشکلات زنان روستایی در مناطق توسعه یافته کمتر از مناطق توسعه نیافته است؟

بله همانطور که اشاره کردید بستگی دارد که زنان در کدام نقطه ساکن باشند، چون بعضی روستاها به لحاظ طبیعی و جغرافیایی به‌نسبت ثروتمند هستند، به‌خصوص روستاهایی که در آن کشاورزی امکان پذیر است و انجام می‌گیرد. این یکی از منابع درآمدی مهم برای خانواده و زنان به شمار می‌رود. به همین دلیل زنان در این روستاها کمتر در مضیقه قرار دارند تا روستاهایی مثلاً در سیستان و بلوچستان، هرمزگان و مناطقی که به علت خشکسالی در سال‌های اخیر بسیاری از کشتزارها از بین رفته است و مشکل فقر بیشتر به چشم می‌خورد. لذا در برخی روستاها که ثروت بیشتری وجود دارد و منطقه توسعه یافته است، سطح زندگی خیلی بالاتر است و به همان نسبت مشکلات زنان کمتر است.

طبیعتا وضعیت زنان روستایی در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور بغرنج‌تر است؛ جایی که کیفیت و امکانات زندگی و مسکن، بهداشت و آموزش در سطح پایین‌تری قرار دارد. در مناطق کوهستانی، تابستان‌ها آفتاب سوزان است و دسترسی به منابع آب و علف برای دامپروری دشوار است و عشایر با کوچ به دامنه کوهستان خانه‌های عمدتا گلی و سنگی را ترک کرده و در سیاه‌چادرهایی که حاصل دسترنج زنان است ساکن می‌شوند. پیمودن فرسنگ‌ها راه خاکی و کوهستانی با پیچ‌های خطرناک، پراکندگی جغرافیایی، نبود سرپناه مناسب، کمبود آب آشامیدنی سالم، بهداشت پایین، سوءتغذیه، تکیه به دامپروری سنتی و فراوری محصولات لبنی، پخت نان و تامین غذا، نشان می‌دهد بار سنگینی بر دوش زنان روستاست.

گفته شده در برخی نقاط کشور به خاطر کمبود درآمد خیلی از مردان روستاها را ترک کرده‌اند یا به حاشیه شهرها رفته‌اند یا صبح می‌روند به شهر یا کار خانجات اطراف روستاها کار می‌کنند، در اینجا باز هم زنان هستند که نقش اصلی را در بخش کشاورزی برعهده دارند، آیا این طور نیست؟

همین طور است. در بسیاری از روستاها مردان به کار کشاورزی نمی‌پردازند، بلکه به کارهای پردرآمدتر در شهرها کشیده می‌شوند، در نتیجه کار کشاورزی را وقتی البته قرار است کوچک باشد و درآمد چندانی نداشته باشد، زنان انجام می‌دهند. در خیلی از روستاها می‌بینم آقایانی که قبلاً کشاورز بودند، توانسته‌اند یک تراکتور یا کمباین بخرند یا اجاره کنند و زمین‌های دیگران را شخم بزنند. این کار درآمد بیشتری برای آنان دارد و زنان‌شان به جایشان کار کشاورزی را انجام می‌دهند. من دیده‌ام در کارخانه‌های سیمان مردان کار می‌کنند و امر کشاورزی عملاً بر دوش زنان گذاشته شده است. این زنان در واقع از صبح تا عصر روی زمین‌هایشان کار می‌کنند. تمام کارهای خانه هم برعهده این زنان است. این یک تصویر دوگانه دارد یعنی امر کشاورزی و تمام مشکلات و مسئولیت‌ها برگردن زنان گذاشته شده است به خاطر اینکه مردان از روستاها رفته‌اند یا ساکن شهرها شده‌اند. این خودش مشکلات فیزیکی و خستگی را بر زنان تحمیل می‌کند. در بسیاری از روستاها می‌بینید که خانم‌ها علاوه بر اینکه کار کشاورزی می‌کنند، کارهای دستی انجام می‌دهند و این کارهای دستی را خیلی وقت‌ها در بازار شهرهای نزدیک به روستا به فروش می‌رسانند. درآمدی که از این راه کسب می‌کنند در جهت تربیت و آموزش بچه‌هایشان به کار می‌برند. برای اینکه در تمام مناطق ایران همان خواسته‌های طبقه متوسط شهری گسترده شده است. این باعث می‌شود که زنان روستایی بیش از پیش درگیر کار و زحمت شوند، با این حال از بازنشستگی، بیمه، مرخصی و سایر مزایای بخش رسمی اقتصاد محروم هستند.

این روند نه تنها در ایران که در قلب کشورهای پیشرفته صنعتی چون آمریکا نیز صادق است؛ در کالیفرنیا، زنان روستایی به صورت فصلی و روزمزد، خطرات گوناگون را به جان خریده و ساعات طولانی در شرایط سخت، کارهای کشاورزی انجام می‌دهند. مبتنی بر نتایج تحقیقی که روی زنان کارگر کشاورز در منطقه میانی کالیفرنیا انجام شده، کارگران زن بیمه‌های بهداشتی ندارند و در اثر استفاده از انواع سموم، کودکان ناقص به دنیا می‌آورند. مصائب و چالش‌های متعددی برای زنان روستایی در سراسر جهان وجود دارد و این چالش‌ها برای بسیاری از زنان سنگین‌تر و پیچیده‌تر است.

آگهی موضوع ماده ۳ ماده و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرء صادره موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و درواحد ثبتی کردکوی تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردید لذا مشخصات متقاضیان واملاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میگردد. درصورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

پلاک ۲ -اصلی اراضی کردکوی

۱) خانم ماندانا یوسفی فرزند محمود به شناسنامه شماره --- کد ملی ۲۲۴۰۰۰۱۹۵۱ صادره از کردکوی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است ، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالکیت رسمی مشاعی متقاضی طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۶۸۹۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۲۱۹

۲) خانم صفیه درزی فرزند منوچهر به شناسنامه شماره ۱۳۸۱۷ کد ملی ۲۲۴۸۵۵۸۳۳۳ صادره از کردکوی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۲۵ مترمربع که مقدار ۱۰۰ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است ، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای منصور زاهد طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۶۹۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۵۶۶

۳) آقای قربانعلی فرهمند فرزند اسمعیل به شماره شناسنامه ۱۰۸۴۰ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۸۵۲۸۵۳۱ در ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به انضمام ۷۶۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم ششدانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع با بقیه آن وقف عام است به مساحت ۱۷۰ مترمربع ، قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی وراث مرحوم اسمعیل چوپان طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۶۹۰۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۱۱۶

پلاک ۳۵ -اصلی اراضی روستای زراع محله

۴) آقای علی جمعه روشنی بساقی فرزند نقی به شماره شناسنامه ۷ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۳۳۰۳۶۰ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۷۴۹،۵۴ مترمربع، قسمتی از پلاک ۳۵ -اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی خانم سکینه روشنی طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۶۹۰۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۴۴۸

پلاک ۷۹ -اصلی اراضی روستای ایلوار پنجدانگه

۷) آقای محمد حاجیلری فرزند مختار به شناسنامه شماره --- کد ملی ۲۱۱۰۷۲۵۳۱۱ صادره از گرگان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۲۰ مترمربع، قسمتی از باقیمانده پلاک ۷۹ -اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای زین العابدین نیموری زراء محله طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۶۹۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۵۴۰

پلاک ۸۰ -اصلی اراضی روستای ایلوار یکدانگه

۸) خانم تهمینه عقدائی فرزند علیرضا به شناسنامه شماره ۸۴۷۹ کد ملی ۰۰۷۴۹۳۸۴۵۲ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰ مترمربع ، قسمتی از باقیمانده پلاک ۸۰ -اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی جهت الحاق به پلاک ۵۲۸ فرعی از ۸۰ -اصلی خریداری شده از مالک رسمی آقای علی بابامحمدزمانی طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۶۹۱۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۳۹۶

پلاک ۸۷ -اصلی اراضی روستای ایلوار چهارده

۹) خانم میمنت قائمی فرزند فربانعلی به شناسنامه شماره --- صادره از گرگان و شماره ملی ۲۱۱۰۲۶۶۱۹۸ در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۷۸۵،۴۵ مترمربع ، قسمتی از پلاک ۸۷ -اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری شده از مالک رسمی آقای صفت اله قائمی طبق رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۶۸۹۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۰۲۱۶

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۳/۷/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۳/۸/۱۶ م.الف: ۲۲۵

علی اصغر غریب شیرنگی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی

==========

آگهی موضوع ماده ۳ ماده و ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۵۰۰۴۰۹۸ مورخ ۱۴۰۳/۷/۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مالارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نوشین مهین گل فرزند عباس بشماره شناسنامه ۷۴۱۸۱ کدملی ۰۰۳۱۷۴۴۷۲۹ صادره از تهران- شندانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین به مساحت ۵۰۰۰۰ مترمربع پلاک فرعی از ۲۵ اصلی واقع در مالارد صفادشت ارسطو خریداری از مالک رسمی آقای حسن ثلاث محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد که اشخاص که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۳۰

م / الف: ۲۰۷۰

همایون خزایی رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۵۰۰۴۱۸۷ مورخ ۱۴۰۳/۷/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مالارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نوشین مهین گل فرزند عباس بشماره شناسنامه ۷۴۱۸۱ کدملی ۰۰۳۱۷۴۴۷۲۹ صادره از تهران- شندانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۰۰۰۰ مترمربع پلاک فرعی از ۲۵ اصلی واقع در مالارد صفادشت ارسطو خریداری از مالک رسمی آقای حسن ثلاث محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد که اشخاص که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۳۰

م / الف: ۲۰۷۱

همایون خزایی رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۵۰۰۴۱۸۴ مورخ ۱۴۰۳/۷/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مالارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فریگل زرکش یزدی فرزند علی اصغر بشماره شناسنامه ۹۴ کدملی ۰۰۳۸۰۰۰۵۰۴ صادره از تهران در ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۰۰۰۰ مترمربع پلاک از ۲۵ اصلی واقع در مالارد صفادشت ارسطو خریداری از مالک رسمی آقای حسن ثلاث محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که اشخاص که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۳۰

م / الف: ۲۰۷۴

همایون خزایی رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۵۰۰۴۲۸۴ مورخ ۱۴۰۳/۷/۱۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مالارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل قره چائی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۲۶۴۱ کدملی ۶۴۱۱۵۱۳۱۲۸ صادره از شهریار به مساحت ۴۴۲/۴۴ مترمربع ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه باغ محصور با بنای احداثی مفروز از پلاک ۴۰۹۹ فرعی از ۳ اصلی واقع در مالارد صفادشت ارسطو خریداری از مالک رسمی آقایان حسن و یعقوب خوشنام کریمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که اشخاص که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۳۰

م الف: ۸۹۴

رضاده مرده

رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۵۵۰۰۴۱۸۷ مورخ ۱۴۰۳/۷/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مالارد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابوالفضل قره چائی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۲۶۴۱ کدملی ۶۴۱۱۵۱۳۱۲۸ صادره از شهریار به مساحت ۴۴۲/۴۴ مترمربع ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه باغ محصور با بنای احداثی مفروز از پلاک ۴۰۹۹ فرعی از ۳ اصلی واقع در مالارد صفادشت ارسطو خریداری از مالک رسمی آقای حسن ثلاث محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که اشخاص که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۱۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۳۰

م الف: ۸۹۷

شکراله سعادتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۹۳۸-۱۴۰۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای علی سحاییان فرزند عباس به ش. ش ۲۳ صادره از بوشهر به ش. ش ۱۵۳۷۱۹ به قسمتی شندانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۳/۶۳ متر مربع پلاک ۹ فرعی از ۶۲۶۴ اصلی مفروز و مجزی شده از ۶۲۶